



محصول نظام آموزش و پرورش ایده‌آل چیست؟

دکتر حیدر تورانی

یک وظیفه‌همگانی، برنامه‌ریزی برای تربیت معلم، عجزین کردن تعلیم و تربیت، عدالت محوری در آموزش و پرورش، تأکید بر امور پرورشی، برنامه‌ریزی برای تحول، نهادینه کردن قرآن در آموزش و پرورش، تکریم دانش‌آموز توسط معلم، عدم تأکید بر حفظ‌محوری، نیازسنجی، حساس و مهم دانستن دستگاه تعلیم و تربیت و دیانت به مثابه اساس تعلیم و تربیت است. هر یک از این عبارات می‌تواند به عنوان یک راهبرد برای پیشرفت نظام تعلیم و تربیت قلمداد شود.^۱ مفهوم پرهیز از تکیه بر ترجمه صرف، این است که همت جامعه علمی ما باید به تولید علم گماشته شود. ما نباید به ترجمه و فراگیری اندوخته‌های دیگران اکتفا کنیم. نه این که فرا نگیریم، هیچ کس نمی‌گوید از دیگران فرا نگیریم؛ باید فرا گرفت، لیکن علم را باید تولید کرد (۱۳۸۱/۷/۳). نکته دیگر تکریم معلم به مثابه وظیفه‌ای همگانی است که خطاب آن به همه مردم کشور است. هم دانش‌آموزها باید قدر معلم‌شان را بدانند، هم خانواده‌ها باید قدر معلم فرزندشان را بدانند، هم دستگاه‌های دولتی و مسئولین باید اهمیت معلم را درک کنند. همه مردم باید بدانند معلم یک چنین شرافتی دارد، یک چنین اهمیتی دارد. تکریم معلم بر عهده همه ماست. معلمین نیز باید توجه کنند که در چه جایگاه حساسی ایستاده‌اند. معلم توجه کند که کجا ایستاده است و در چه جایگاه حساسی است. نقش او مانند نقش سوزن‌بان در مسیر یک قطار است که خود معلمین به آن توجه کنند (۱۳۸۶/۲/۱۲).

در برنامه‌ریزی برای تربیت معلمان به عنوان یک راهبرد دیگر، هر چه تلاش شود جا دارد حرمت معلمی در جامعه باید احیا شود، برای حفظ کرامت آنان باید سرمایه‌گذاری معنوی و مادی شود و افراد برای معلمی پرورش پیدا کنند (۱۳۸۱/۴/۲۶).

در عجزین کردن تعلیم و تربیت نیز باید بخش تربیت را با تعلیم همراه کنیم تا معلم در کلاس، تربیت هم بکند. بنده معتقدم که معلم فیزیکی، معلم زیست‌شناسی، معلم ریاضی یا هر معلم دیگری، می‌تواند با یک کلمه و تلنگر، آن چنان تأثیری روی ذهن دانش‌آموزان بگذارد و چنان تربیتی بکند که گاهی با یک کتاب نشود آن تأثیر را گذاشت. اما این منافاتی ندارد با این بخش که تربیت با همان استحکام در آموزش و پرورش باقی بماند و مورد اعتنا قرار گیرد (۱۳۸۱/۴/۲۶).

مقام معظم رهبری در موضوع عدالت محوری در آموزش و پرورش، اشاره می‌نمایند که: اگر ما در مدیریت آموزش و پرورش به مسئله عدالت توجه کنیم، نتیجه این خواهد شد که در آینده کشور، عدالت نسبی بین قشرها و مناطق کشور برقرار خواهد شد. نگاه غیر عدالت محور، این است که ما در کشور مدارس پیشرفته مجهز به بهترین تجهیزات در یک جاهایی و مدارس

چه کنیم تا محصولات نظام آموزش و پرورش ما آن گونه که می‌خواهیم باشد؟ به عبارت دیگر، ویژگی‌های محصول نظام آموزش و پرورش ایده‌آل چیست؟ به اعتقاد رهبر انقلاب، ما می‌خواهیم آن کسی که از آموزش و پرورش خارج می‌شود انسانی باشد با برجستگی‌های اخلاقی، برجستگی‌های فکری و مغزی و با تدین؛ یک چنین انسانی می‌خواهیم (۱۳۸۶/۵/۳). راستی چگونه می‌شود به چنین نتایجی دست یافت؟ آن چه از سخن رهبر فرزانه انقلاب می‌توان استنباط کرد؛ پرهیز از تکیه بر ترجمه صرف، تکریم معلم به عنوان



دینی نیست. یک معلم ریاضی، فیزیک و فارسی و ادبیات هم با یک نکته‌گویی به‌جا و با تک مضرب می‌تواند تفکر دینی را در اعماق دل شاگرد و مخاطب خود جا دهد تا یادش نرود. حتی گاهی بیش از معلم دینی می‌تواند اثر بگذارد. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده این کشور را آباد کند.

در یک جمع‌بندی خوش‌بینانه و منصفانه باید گفت که در آموزش و پرورش کشورمان در چند سال اخیر که پروژه تحول بنیادین کلید خورد، شاهد اقدامات جدی و اساسی برای تغییر و تحول بنیادین در آموزش و پرورش بوده‌ایم. نمونه بارز آن تدوین فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تربیت رسمی و عمومی، رهنامه تربیت رسمی و عمومی، سند راهبردی آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی است، که بحمدالله مراحل پایانی تصویب را می‌گذرانند. آن چه در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های اسناد فوق‌الذکر از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است، نگرش و برنامه‌ریزی اجرایی جامع و دقیق و بدون شتابزدگی است. بارها اتفاق افتاد. افکار و اندیشه‌های خوب به دلیل بی‌دقتی و تعجیل در اجرا، بی‌تعمدی مدیران بعدی در استمرار آن‌ها و در نظر نگرفتن سازوکارهای اجرایی لازم به شکست انجامیده است و یا به صورت تمام و کمال محقق نشده است. نظام آموزش کاد، نظام جدید متوسطه، مدارس نمونه مردمی، طرح مدرسه محوری، طرح تعمیم فعالیت‌های پرورشی، طرح کرامت و... شواهدی از این دست محسوب می‌شوند. امید است در اجرای اسناد تحول بنیادین شاهد اقدامات عالمانه، صبوری و دوری از هرگونه تصمیم خودخواهانه و بی‌خردانه باشیم. البته این محقق نخواهد شد مگر آن که مدیران عالی و ارشد به این مهم باور داشته و نگرش پایدار پیشه کنند.

پی‌نوشت

۱. خنیفر، حسین، رحمتی، محمدحسین، مبانی تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، نورالثقلین، ۱۳۸۹، صص ۳۰۸-۳۱۸

محروم کپری یا شبیه کپری در یک مناطق دیگر داشته باشیم؛ معلم ممتاز و برجسته برای تعدادی از مدارس و معلمان خسته یا کم‌سواد برای تعدادی دیگر؛ این درست ضد نگاه عدالت محور است. نتیجه این خواهد بود که جمعی از کودکان امروز ما بدون هیچ دلیل (جز این که پول دارند یا در یک منطقه برخوردار زندگی می‌کنند) از عالی‌ترین تحصیلات برخوردار خواهند شد و یک عده دیگر در سطوح بسیار پایین خواهند ماند، پیش نخواهند رفت و استعدادهایشان رشد نخواهد کرد (۱۳۸۵/۲/۱۱۲).

در جهت برنامه‌ریزی برای تحول نیز مقام معظم رهبری این‌گونه اشاره داشته‌اند که: ببینید ما چه می‌خواهیم؟ محصول و خروجی آموزش و پرورش را چه می‌خواهید باشد؟ اول این را مشخص کنیم، ترسیم کنیم، بعد ببینیم که برای ساختن یک چنین موجودی، یک چنین مردی، زنی، جوانی، چه کارهای مهم و اساسی، چه تعالیم لازم در خلال چه برنامه آموزشی باید داده شود، تا این موجود پرورش پیدا کند. آن وقت آدم‌های کارآمدان بنشینند آن نظام را تعریف و تدوین کنند و با شجاعت لازم وارد میدان شوند و تشکیلات آموزش و پرورش را بر طبق آن نظام تعریف کنند و تحقق بخشند، این می‌شود تحول حقیقی و بنیادی (۱۳۸۶/۵/۳).

نقش محوری آموزش و پرورش در برابر سایر نهادها از جمله صدا و سیما و خانواده بسیار مهم است. البته مقام معظم رهبری معتقدند: یک آموزش و پرورش خوب می‌تواند صدا و سیما را هم مقهور خودش بکند. آموزش و پرورش خانواده‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، آموزش و پرورش است. پس، این توانایی در آموزش و پرورش هست که چنین موجودی (شجاع، خوش‌خو، خیرخواه، خوش‌بین، امیدوار، بلندهمت، خلاق، پرسشگر، اهل تفکر، اهل نوآوری و...) تربیت کند (۱۳۸۶/۵/۳).

درباره نهادینه کردن قرآن در آموزش و پرورش، تأکید ایشان بر آن است که جامعه ما، به‌ویژه روشنفکران و اهل علم و قلم در معاملات، سیاست، اظهار نظرهای روشنفکری خود همان گونه که از اشعار سعدی و حافظ استفاده می‌کنند بتوانند از قرآن نیز همین‌طور استفاده کنند، ولی متأسفانه اکنون این‌گونه نیست. و به اعتقاد ایشان، قرآن در آموزش و پرورش حقیقتاً مهجور واقع شده است. بعد از پیروزی انقلاب توقع این بود که یک کار کارستانی انجام بگیرد. کارهایی هم شده است، لیکن جای حضور قرآن در دوره‌های گوناگون، واقعا خالی است. باید فکر بشود، نه به شکل تحمیلی، نه به شکل بیزار کننده و دور کننده، بلکه به شکل صحیح (۸۵/۲/۱۲). در تکریم دانش آموز توسط معلم به مثابه یک راهبرد برای پیشرفت نظام تعلیم و تربیت نیز ایشان معتقدند: از نظر اسلام، همان‌طور که معلم احترام دارد و باید تکریم شود، معلم هم باید تکریم شود، شاگرد را هم با تکریم کرد. به شاگرد امانت نباید کرد. این یک جنبه پرورشی بسیار عمیقی دارد. جبار دو نوع است: جبار سیاسی، جبار علمی، جبار علمی نباشید، جباران عالم نباشید، مثل فرعون، بر خورد باید بر خورد پدر با فرزند باشد. معلم ممکن است در شتی هم بکند، اما در شتی غیر از تحقیر است، غیر از امانت است. شاگرد را باید تکریم کرد. باید شاگرد را مثل مومی در دست چرخاند و شکل داد، منتها با ملایمت. هنر معلمی این است (۱۳۷۷/۱/۱۲).

عدم تأکید بر حفظ محوری نیز به مثابه یک راهبرد دیگر، پیوسته در کلام مقام معظم رهبری جاری بوده است. ایشان معتقدند: حفظ کردن بچه‌ها، زیاد خواندن بچه‌ها، اشکالی ندارد و چیز خوبی است و برای فعالیت ذهن زمینه درست می‌کند. اما حفظ محوری بد است. محور تلاش باید عبارت باشد از فکر، ولو با حفظ هم همراه باشد. حفظ محوری، عیب بزرگی است و باید اصلاح شود (۱۳۷۷/۱/۱۲).

درباب نیازسنجی نیز ایشان معتقدند که نیازها وقتی از سوی معلمین احساس شد، بلافاصله به دستگاه مولده کشور منعکس شود و آن چه را که مورد نیاز است تولید شود. تا ما احساس نیاز نکنیم، تا سؤال نکنیم، تا نخواهیم، آن محصول مورد نیاز تولید نخواهد شد (۱۳۸۹/۲/۱۵). مقام معظم رهبری از میان همه این نکته‌ها به موضوع دیانت نیز توجه جدی داشته و معتقدند که: اگر می‌خواهید که معلمی شما مورد رضای خدا و نسل‌های آینده قرار گیرد و در انجام وظیفه‌تان از شما به نیکی یاد شود، بچه‌ها را متدین بار بیارید. متدین بار آوردن بچه‌ها فقط کار معلم تعلیمات